**عنوان مقاله: واکاوی چالش های کشاورزی ارگانیک گامی در جهت کشاورزی پایدار**

**(نمونه موردی: نخل کاران دهستان بخش فورگ-شهرستان داراب)**

**خدیجه بوذر جمهری، محبوبه نامدار**

**دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد**

**چکیده:**

یکی از مهمترین رویکردهایی نوین در زمینه حفاظت از محیط زیست و کاهش اثرات منفی برنامه های توسعه پایدار، به خصوص در سال های اخیر، توجه به کشاورزی ارگانیک می باشد. با توجه به شرایط گوناگون جغرافیایی، هنوز در برخی از مناطق کشور تولید محصولات کشاورزی به همان شیوه های بومی و سنتی گذشته خود رواج دارد و کشاورزان درتمام مراحل تولید محصول، آبیاری و حتی مبارزه با آفات و امراض از همان دانش و تجربه سنتی و گذشته اجداد خود استفاده می کنند. یکی از این مناطق روستاهای واقع در بخش فورگ شهرستان داراب است که نخل کاران بومی تمام مراحل کشاورزی و تولید محصول خود را به همان شیوه های سنتی و گذشته خود انجام می دهند. هدف از انجام پژوهش کیفی حاضر که با بهره گیری از روش تئوری بنیانی صورت گرفته، بررسی مشکلات و چالش­های کشاورزان نخل کار بومی روستاهای شهرستان داراب از دیدگاه خود آنان است. این تحقیق از نوع کاربردی است و روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه­ای و میدانی انجام گرفته­است . جامعه مورد مطالعه، تعداد 26 بهره بردار نخل کار(صاحب باغ) دهستان های فورگ و آبشور شهرستان داراب است که به روش نمونه گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. برای دستیابی به اطلاعات از مصاحبه نبمه ساختاریافته و تکنیگ گلوله برفی استفاده شده و مصاحبه با افراد تا اشباع کامل اطلاعات ادامه یافته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که کشاورزان نخل کار منطقه به ترتیب اولویت با چالش های اقتصادی - معیشتی، اجتماعی - مدیریتی و **ساختاری- زیربنایی** مواجه هستند.

**واگان کلیدی:** چالش های کشاورزی، محصولات ارگانیک؛ کشاورزی پایدار؛ نخل کاران دهستان های فورگ و آبشور شهرستان داراب

بعد از دریافت اصل مقاله اصلاح شود

1- مقدمه و بیان مسئله:

در تدوام حیات انسانی، کشاورزی و تولیدات آن دارای نقش بنیادی است. در عرصه جهانی، نگرشی بر زمینه­های تحولی جوامع پیشرفته کنونی گویای آن است که منشأ توسعه­ یافتگی­ بسیاری از این ممالک، مازاد تولید در بخش کشاورزی بوده و در مراحل اولیه توسعه، مبناساز تحولات شده است (مطیعی­لنگرودی و شمسایی،1386، 85). امروزه مسائلی چون بالا بودن سطح تولیدات غذایی در کشورهای صنعتی و پایین بودن آن در کشورهای درحال توسعه و مشکلات متعدد زیست محیطی ناشی از کشاورزی، موجب شده است تا در پیشرفت ها و یافته های قبل از 1945 تجدید نظر کلی صورت گیرد. نتیجه این تلاش ها را می توان در محدوده سیاست های وضع شده درخصوص توجه بیشتر به محیط زیست، هم چنین گسترش جنبش ارگانیک و توسعه بازارهای عرضه محصولات ارگانیک مشاهده نمود(لامپکین،1376،331). به عبارتی، رشد فزاینده جمعیت نیاز جوامع را به تولید مواد غذایی افزایش داده که این عامل خود نیازمند گسترش تولیدات کشاورزی و بکارگیری تکنولوژی­های مدرن بوده که کاربرد نهاده های جدید، بذور اصلاح شده، کود و سموم دفع آفات را می­طلبد. استفاده از این عوامل طی سال­ها باعث اثرات مخرب بر منابع طبیعی به خصوص خاک و آب شده است. از طرفی دیگر، در جوامعی هم چون کشور ما تا قبل از روی کار آمدن درآمدهای نفتی، اقتصاد ملی بر پایه کشاورزی استوار بود و تنها منبع تامین خزانه و هزینه­های دولت به شمار می­رفت. در عصر حاضر با وجود کاهش نقش این بخش در اقتصاد، هنوز مطالعۀ کارکرد بخش­های اقتصادی در چارچوب اقتصاد کلان ملی موید نقش قابل توجه بخش کشاورزی است، چرا که در تامین اشتغال و درآمد ساکنان نواحی و تعدیل نابرابری­ها، تولید ناخالص داخلی، تامین نیازهای مصرفی جمعیت، درآمد ملی و ارزآوری که زمینه­های توسعه اقتصادی و ملی به شمار می­آید، سهیم است (مطیعی­لنگرودی،1381، 64). در کشورهای رو به رشد و در حال­گذار نیز، کشاورزی در تحکیم پایه­های اقتصاد آن نقشی اساسی ایفا می­کند. از آن جا که این بخش اقتصادی از نظر تأمین نیازهای غذایی مردم، تأمین مواد اولیه صنایع، اشتغال افراد و ایجاد درآمد اهمیت دارد، ثبات و استمرار رشد آن را می­توان از عوامل عمدۀ کمک کننده به ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی جامعه به شمار آورد (Lin&Gongn,2000, 27). بدین­سان، با توجه به نقش چندجانبه کشاورزی در زندگی انسانی می­توان آن را در کانون مباحث توسعه پایدار قرار دارد(Lynam,1994, 25).

در کشور ما نیز“چرخه چالش­ها” در بخش کشاورزی نظیر عدم افزایش سطح زیرکشت، سه برابر شدن جمعیت کشور در طی 40 سال گذشته و کاهش مساحت اراضی مفید، افزایش فشار اکولوژیکی در فضاهای تولید محصولات کشاورزی (نواحی روستایی)، استفاده مکرر از زمین، استفاده نادرست و مخرب از منابع آبی، کاهش راندمان عوامل بنیادی تولید (آب و زمین) و به صرفه نبودن تولید در این بخش، پیری جمعیت بهره­بردار در بخش کشاورزی و عدم رغبت جوانان به فعالیت در آن سبب گردیده تا این بخش مهم اقتصادی به مرور زمان دچار ناپایداری مفرط شود. از این رو در راستای حفظ منابع خدادای و استفاده عقلایی از آن و هم چنین ایجاد تغییر مثبت در وضعیت کشاورزان و روستائیان، ضرورت توجه به توسعه پایدار کشاورزی احساس می­گردد (درویشی،1372، 5). بر اساس اعلام رسمي موسسه تحقيقات كشاورزي ارگانيك در سال 2007 حدود 15 هزار هكتار از اراضي ايران تحت پوشش كشاورزي ارگانيك بوده است و از مجموع 66 محصول كشاورزي كشور نيز تعدادي به صورت ارگانيك توليد مي­شوند كه از مهمترين آنها مي توان به انجير، خرما، پسته، بادام، گياهان دارويي، انار و فرآورده هاي حاصله از جمله (روغن دانه انار، كنسانتره انار)، گلاب، روغن گل، گل خشك، شيرين بيان، زعفران اشاره كرد2012) ; Kilcher&Willer). هر چند در سال­هاي اخير اقداماتي در جهت حمايت و توليد محصولات ارگانيك صورت گرفته، ولي سرعت پيشرفت آن ها چشمگير نبوده و علي رغم پتانسيل­هاي بالقوه موجود در كشور، رشد چنداني در سطح زيركشت، عملكرد، توليد و حتي مصرف اين محصولات به چشم نمي­خورد.

خرما یکی از محصولات مهم و استراتژیک کشاورزی است که سطح زیر کشت این گونه درختی در جهان بیش از یک میلیون هکتار است. ایران با بیش از 242 هزار هکتار سطح زیر کشت خرما و تولید سالانه افزون بر یک میلیون تن، به لحاظ سطح زیر کشت رتبۀ نخست و از نظر تولید، جایگاه دوم جهان را به خود اختصاص داده است. طبق اطلاعات موجود در طرح تدوین ساماندهی فرآوری خرما، استان فارس با بیش از30 هزار هکتار سطح زیر کشت(13 درصد از کل کشور)، تولید سالانه بالغ بر 130 هزار تن، سهمی معادل 5/13 درصد کل تولید خرمای کشور را دارد. شهرستان داراب با دارا بودن ۱۸۰۶ هکتار نخیلات، بیش از ۴۵ رقم از گونه های متفاوت و با متوسط تولید ۶ تن در هکتار، مقام پنجم تولید خرمای استان را دارا می باشد(سازمان جهاد کشاوری استان فارس، 1393) عمدۀ تولید این محصول متعلق به روستاهای بخش فورگ این شهرستان است.

با توجه به سالم و ارگانیک بودن این محصول و داشتن ویژگی­های منحصر به فرد، از آن درختی مقاوم ، همیشه سبز با عمر طولانی و مقاوم در مقابل خشکی وکم آبی و متحمل در شرایط نامساعد آب و خاک ساخته است به همین دلیل از جمله گونه های گیاهی است که در طرح برون رفت از بحران آب و تغییر الگوی کشت، مورد نظر برنامه ریزی بخش کشاورزی بوده است. این کشاورزان سنتی که مهارتشان حاصل سال ها تجربه ودانش های بومی گذشتگان است، با انتفال سینه به سینه این تجربیات، کلیه مراحل تولید محصول با همان شیوه های سنتی و بومی انجام می­گیرد که به دور از کاربرد هرگونه سموم، کودها و آفت کش­های شیمیایی است و حتی کمتر از ابزارهای جدید مکانیکی استفاده می­شود. بنابراین جزء محدود محصولات کشاورزی است که کاملا به روش طبیعی و فارغ از هرنوع مداخلات مصنوعی و جانبی تولید می شود. شواهد فراوانی وجود دارد که تولید غذای ارگانیک و نوشیدنی، هم برای بازارهای داخلی و هم برای صادرات تولید می­تواند در افزایش درآمد کشاورزان موثر باشد. این مسئله باعث کاهش فقرو بهبود امنیت غذایی خانوارهای کشاورزان می شود( بهرامیان و میردامادی؛1390،3) اما سوال وچالش اصلی منطقه این است که چرا با وجود ارگانیگ بودن محصول وارزشمند بودن آن، متاسفانه با قیمت بسیار نازل که حتی کفاف زندگی کشاورزان را نمی کند، به دست دلالان شهری افتاده و یا به عنوان ضایعات توسط مال خرها از چرخه بازار خارج می­شود؟ در صورتی که در کشورهای پیشرفته ، قیمت محصولات ارگانیک چندین برابر بفروش می­رسد و منقاضیان زیادی دارد؟ چرا حدود 30 درصد این محصول فرآوری شده و با قیمت مناسب به بازارهای داخلی و یا کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می شود؟ آیا مشکل عدم توجه کافی دولت و مسولین است؟ ویا نبود امکانات، صنایع فرآوری و سرمایه گذاری لازم در زمینه فرآوری، فروش و بازاریابی است ؟ و بسیاری سوالات دیگر. از این رو در این تحقیق برآنیم که با استفاده از روش کیفی و مصاحبه نیمه ساختار یافته که با 26 تن از نخکاران منطقه انجام گرفته، به مستند سازی این چالش پرداخته و راهکارهایی را از سوی خود آنان برای حل این مشکلات ارائه دهیم.

**2- مبانی نظری وپیشینه تحقیق**

در عصر حاضر، توسعه پایدار کشاورزی یکی از ضروریات سرزمینی به شمار می­آید (افراخته،1392، 62). مفهوم و مضمون توسعه پایدار که کشاورزی پایدار را نیز در بر می­گیرد، تنها متعلق به دوران معاصر نیست و بعضی تاریخچه آن را به زمان نیوتن، جان لاک، توماس جفرسون، چارلز داروین و حتی به آسیای قدیم نسبت می­دهند (کریمی،­1381، 41). کشاورزی پایدار، سیستمی است که ضمن مدیریت صحیح و استفاده از منابع برای تأمین نیازهای غذایی بشر، کیفیت محیط زیست و ذخایر منابع طبیعی را افزایش می دهد . همچنین این سیستم از نظر اقتصادی پویا بوده و مواد غذایی حاصل از آن، اثر سوء بر زندگی بشر ندارد و در حفظ و مراقبت از منابع برای نسل های آینده نیز کوشش شده است، همچنین، یکی از محورهای تحقق توسعه پایدار روستایی وابستگی آن به پایداري نظام کشاورزي است، زیرا امنیت غذایی، امنیت محیط زیست، بهبود وضعیت اقتصادي و در مجموع بقا و حیات کشور از طریق دستیابی به یک کشاورزي پایدار امکان پذیر خواهد بود .(Rezai-moghadam et al ,2005, 20) . کشاورزی پایدار، توسعه سیاست­ها و عملیاتی است که توانایی مردم را برای تولید غذا و پوشاک تضمین کرده، وضعیت اقتصادی و تجاری کشاورزی و ارزش­های اجتماعی را حفظ می­کند، بی­آنکه سبب تخریب منابع طبیعی شود. هدف کشاورزی پایدار اعمال مدیریت موفق بر منابع پایه کشاورزی یا به عبارتی تطابق زیست محیطی بوده تا بتواند نیازهای متغیر انسانی را در حال و آینده برطرف کند و درآمد خانوار را در بلند مدت ارتقا بخشد، در صورتی که اقتصادی­ترین و سودمندترین نحوه استفاده از انرژی و تبدیل آن به تولیدات کشاورزی، سبب تخریب حاصلخیزی خاک و کیفیت محیط زیست نشود(حسینی و شریعتی،1382، 261). به طور کلی می­توان گفت کشاورزی پایدار تجلی افکاری است که از حدود دهه 1920 به موازات کشاورزی تجاری شکل گرفته و به تدریج به طرز چشم­گیری تکامل یافته است و در عین حال جنبه اصلی فلسفی خود را در نحوه برخورد با محیط طبیعی، که همانا همگامی با نظام طبیعت و حفاظت از آن است حفظ نموده، سپس صورت علمی پیدا کرده و امروزه به عنوان جنبش ارگانیک فعال است (لامپکین،1376، 11).

در دهه اخیر، صاحبان دانش رسمی یعنی همان طرفداران کشاورزی انقلاب سبز و کشاورزی صنعتی به سمت دانش بومی گرویده اند و برای انطباق فنون و شیوه های بومی با فنون و شیوه های جدید، تلاشی جدی را آغاز کرده اند. این تلاشها مباحث بدیعی را در گستره توسعه پایدار کشاورزی مطرح کرده است. به عنوان مثال، بحث "کشاورزی ارگانیک" از جمله مباحثی است که به تازگی گسترش وسیعی یافته است.(عمادی،1381، 8). در واقع کشاورزي ارگانیک به عنوان یک سیستم تولید تلقی می­شود که از کودهاي مصنوعی، آفت کشها و تنظیم کننده رشد و افزودنی­هاي خوراکی اجتناب می ورزد. این سیستم جهت حفظ حاصلخیزي خاك و تقویت عناصرغذایی آن، و هم چنین کنترل حشرات، علف هاي هرز و سایر آفات با استفاده از روش هاي مختلف متکی می باشد( نصر اصفهانی و میرفندسکی، 1385؛12). اسامی و اصطلاحات متعددي تحت عنوان کشاورزي ارگانیک وجود دارد که برخی از شناخته ترین آنها، کشاورزي بیولوژیک، کشاورزي تجدید شونده و کشاورزي پایدار است(کوچکی؛1376؛20). شواهد فراوانی وجود دارد که تولید غذای ارگانیک و نوشیدنی، هم برای بازارهای داخلی و هم برای صادرات تولید می­تواند در افزایش درآمد کشاورزان موثر باشد. این مسئله باعث کاهش فقرو بهبود امنیت غذایی خانوارهای کشاورزان می شود؛ همچنین کشاورزی ارگانیک به طور خاص برای جوامع روستایی که در حال حاضر در معرض کمبود مواد غذایی هستند؛ مناسب است. کشاورزی ارگانیک دسترسی به غذا را در چند سطح افزایش می دهد: اول افزایش میزان غذای تولیدی که منجر به امنیت غذایی خانوار می باشد. دوم تولید و فروش مازاد مواد غذایی در بازارهای محلی منجر به درآمد بیشتر که در نهایت موجب افزایش قدرت کشاورزان می شود. سوم محصولات ارگانیک تازه برای افراد بیش تری از جامعه در دسترس قرار می گیرد(بهرامیان و میردامادی؛1390 ،3).

در زمینه مطالعه حاضر تحقیقات متعددی انجام شده است، از جمله قنبری و حمید برقی(1387)، در پژوهشی با عنوان "چالش­های اساسی در توسعه پایدار کشاورزی ایران"، برخی از پتانسیل­ها و تنگناهای فراروی بخش کشاورزی کشور را در ارتباط با توسعه پایدار کشاورزی مورد بحث و بررسی قرار داده اند و نتیجه می­گیرند که توسعه پایدار کشاورزی در کشورمان علاوه بر چالش­های جهانی با چالش­ها دیگری نیز مواجه است از جمله: فرسایش شدید منابع خاک، هرز روی و عدم بهره­وری مناسب از منابع آب­های سطحی و زیرزمینی، تخریب پوشش گیاهی و کاربرد غیر اصولی از منابع طبیعی، بالا بودن ضایعات محصولات کشاورزی، بیکاری در مناطق روستایی، دوگانگی در ساختار مناطق شهری و روستایی، مدیریت توسعه روستایی، امنیت سرمایه­گذاری در بخش­های تولیدی. باقری و شاه پسند(1389)َ در تحقیقی در رابطه با کشت های ارگانیک به این نتیجه رسیده اند که اعتقاد و نگرش کشاورزان سنتی از فاکتورهای مهم در تآثیر گذاشتن بی میلی آنها به پذیرش کشاورزی ارگانیک بیان کرده اند. لذا لازم است متخصصان و برنامه ریزان کشاورزی در طراحی برنامه های جدید کشاورزی- زیست محیطی در کنار سایر عوامل تآثیر گذار، به پیچیدگی نگرش کشاورزان توجه نمایند(باقری و شاه پسند، 1389)َ(Ahnstrom et al., 2009) . نتایج مطالعات علیزاده نشان داد که حدود 50 درصد مصرف کنندگان دارای سطح آگاهی حداقلی از محصولات ارگانیک بودند و تمایل آنها برای مصرف محصولات ارگانیک بسیار بالاست(علیزاده؛2008). در تحقیقات دیگری گریگوری نشان داده است که مهمترین دلایلی که باعث پذیرش محصولات ارگانیک شده است؛ ضررهای ناشی از مصرف سموم و مواد شیمیایی و اثرات مخربی که این مواد در محصولات برجای گذاشته اند، بوده است (Grergoy,2000:251). سندرسون و استوبلار نیز در پژوهشی دیگر یکی از عوامل موثر برپذیرش کشاورزی ارگانیک را دانش وآگاهی نسبت به فواید کشاورزی ارگانیک ذکر می کنند و رابطه مثبتی را بین میزان دسترسی به اطلاعات کشاورزی- محیط زیستی و دانش کشاورزی ارگانیک نشان دادند(Sanderson, 2004 ; Stobbelaar et al., 2006) . همچنین در تحقیق دیگری نوری پور و آرپناهی به بررسی دیدگاه جامعه نظام اطلاعات کشاورزی نسبت به محصولات ارگانیک در بخش مرکزی شهرستان بویر احمد پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که میزان آشنایی محققان و مروجان در مورد کشاورزی ارگانیک نسبتاً بالاست، در حالی که آشنایی کشاورزان در این زمینه متوسط است(نوری پور،1393). در نهایت در مطالعه ای که توسط قدیمی و همکاران صورت گرفته به بررسی عوامل موثر بر نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک پرداخته اند و به این نتیجه دست یافته­اند که اکثر(49درصد) کشاورزان مورد مطالعه نگرش مثبتی به کشاورزی ارگانیک داشته­اند (قدیمی،1391). با جمع بندی مطالعات فوق، می توان نتیجه گیری کرد که دانش و آشنایی با مفهوم کشاورزی ارگانیک؛ میزان آشنایی با مضرات ناشی از مصرف سموم، دسترسی منابع اطلاعاتی، ویژگی های فردی( تحصیلات، سن؛ درآمد و محل سکونت) از عوامل تاثیرگذار براین دیدگاه به شمار می آیند.

**3- روش تحقیق**

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی است و از لحاظ پارادایم در گروه تحقیقات کیفی قرار دارد و از بعد روش از نظریه بنیانی استفاده شده است. نظریه بنیانی یکی از روش هایی تحقیقات کیفی است. هر تحقیق کیفی تجربه ای منحصر به فرد است و به مانند تحقیقات کمی قابلیت تعمیم پذیری ندارد(دهقان نیری و همکاران، 1384 ،94). این روش از آنجا ارزشمند است که عمق پدیده را در گروه خاصی بررسی می کند و شناخت عمیق پدیده اهمیتی بیش از وسعت میدان بررسی دارد(پاپ زن و همکاران،1389 ،29). بنابراین از ویژگی ها یا محدودیت های تحقیق کیفی، عدم تعمیم پذیری آماری آن است (Mahoney and Goertz,2006,237). در این تحقیق به منظور ارائه تصویری عمیق و روشن از چالش های فراروی نخل کاران بخش فورگ شهرستان داراب در قالب یک مدل، از روش تئوری بنیانی بهره گرفته شد وچنان که آمد قابلیت تعمیم مد نظر نیست؛ بلکه هدف درک پدیده و ابعاد مختلف آن است(گدینز؛ 1376؛98). داده ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند با 26 نفر از کشاورزان نخل کار منطقه مصاحبه انجام گرفت و با تکنیک گلوله برفی اطلاعات به اشباع کامل رسید. سپس نتایج حاصل از مصاحبه ها ، وانجام کدگذاری باز ، کد گذاری محوری، طبقه بندی وتجزیه تحلیل گردید. بدین ترتیب که پس از پیاده سازی مطالب جمع آوری شده از طریق مصاحبه وپرسشنامه، در کدگذاری باز به مرور تک تک اطلاعات، جملات مرتبط با موضوع پژوهش استخراج شد. حاصل این مرحله شناسایی 44 مفهوم کلیدی در زمینه مشکلات و محدودیت های پیش روی جامعه مورد مطالعه بود. سپس با توجه به ماهیت چالش و ارائه راهکارها و همچنین رابطه بین آنها، دسته بندی مقدماتی صورت گرفت و به هریک از مشکلات و محدودیت های مطرح شده از سوی کشاورزان یک کد داده شد؛ به طوری که گویه های مرتبط در یک خوشه قرار گرفتند و به هر یک، کدهایی از 1A تا44 A اختصاص یافت و در پایان این مرحله به نظر رسید که این مفاهیم کلیۀ مشکلات و محدودیت ها را در ابعاد مختلف پوشش داده و نیازی به مراجعۀ مکرر، به نمونه های مورد مطالعه وجود ندارد. به بیان دیگر، اعتبار درونی داده ها در این مرحله مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله کدگذاری محوی، داده های کدگذاری شده با یکدیگر مقایسه شدند و به صورت خوشه هایی که باهم تناسب دارند، درآمدند. کدها و دسته های اولیه ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بود با موارد مشابه ادغام شد و ارتباط بین خورده طبقات مشخص گردید و طبقاتی با مفاهیم جدید شکل گرفت ودر نهایت مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت.

**4- محدوده مورد مطالعه:**

شهرستان داراب با دارا بودن ۱۸۰۶ هکتار نخیلات، بیش از ۴۵ رقم متفاوت و با متوسط تولید ۶ تن در هکتار مقام پنجم تولید خرمای استان را دارا است و عمده تولید در این شهرستان، متعلق به روستاهای بخش فورگ داراب است**.** فورگ از بخش های ۷۵گانه استان فارس و از [مناطق نیمه گرمسیری](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%B7%D9%82_%D9%86%DB%8C%D9%85%D9%87_%DA%AF%D8%B1%D9%85%D8%B3%DB%8C%D8%B1%DB%8C) آن است که در منتهی‌الیه جنوب شرقی استان فارس قرار دارد . مساحت آن در حدود ۱۶۷.۵ کیلومتر مربع و یکی از بخش‌های سه گانه شهرستان داراب است که از شمال به بخش رستاق، از جنوب به لارستان ٬ از شرق به استان هرمزگان و از غرب به شهرستان داراب و [زرین دشت](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%B1%DB%8C%D9%86_%D8%AF%D8%B4%D8%AA) محدود می‌شود. فاصله اش تا مرکز استان ۳۶۰ و تا داراب ۹۵ کیلومتر است. این بخش با وسعتی بالغ بر دویست [کیلومتر مربع](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%DB%8C%D9%84%D9%88%D9%85%D8%AA%D8%B1_%D9%85%D8%B1%D8%A8%D8%B9) و ارتفاع متوسط800 متراز [سطح دریا](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%B7%D8%AD_%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7) واقع شده است. از نظر [تقسیمات کشوری](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D9%82%D8%B3%DB%8C%D9%85%D8%A7%D8%AA_%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%DB%8C)، این بخش دارای دو دهستان فرگ و آبرودشور با ۱۸ روستا است. بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن [مرکز آمار ایران](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B1%DA%A9%D8%B2_%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86)، جمعیت این بخش در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۱۱۰۳ نفر بوده است. این بخش یکی از قطب‌های مهم کشاورزی استان فارس است و عمده نخل کاران داراب در این بخش فعالیت دارند(مرکز آمار ایران،1390).

**5- یافته های محوری پژوهش**

نتایج حاصل از توصیف ویژگی های نمونه های مورد مطالعه نشان می دهد که از مجموع کل پاسخگویان ( 26 نفر)، 15 درصد زن و 85 درصد کشاورزان مرد تشکیل می­دهند. از نظر سطح سواد 7/7 درصد بیسواد، 6/34درصد سواد ابتدایی ، 2/46درصد مدرک سیکل و دیپلم و 5/11درصد سواد لیسانس و بالاتر داشته اند. همه آنها شاغل و شغل اصلی بیش از 60 درصد نخل کاری است.

با مرور تک تک اطلاعات جمع آوری شده ، جملات مرتبط با موضوع پژوهش حاصل و کدگذاری باز انجام گرفت که نتیجه این مرحله شناسایی 44 مفهوم کلیدی در زمینه مشکلات و محدودیت های پیش روی نخل کاران منطقه است . یعنی با توجه به ماهیت چالش و ارائه راهکارها و همچنین رابطه بین آنها، دسته بندی مقدماتی صورت گرفت و به هریک از مشکلات و محدودیت های مطرح شده از سوی کشاورزان یک کد داده شد؛ به طوری که گویه های مرتبط در یک خوشه قرار گرفتند و به هر یک، کدهایی از 1A تا44 A اختصاص یافت که در جدول (1) مشخص شده است.

**جدول (1) مفهوم سازی داده های حاصل از پژوهش(کدگذاری باز)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **مفاهیم** | **کد** | **مفاهیم** | **کد** |
| **قیمت پایین خرما** | **A1** | **بارش های نامناسب فصلی و آسیب رساندن به محصول** | **A23** |
| **عدم انگیزه کافی برای کاشت نهال های جدید به خصوص برای جوانان** | **A2** | **کمبود و یا گرانی یمت گرده های نخل های نر** | **A24** |
| **کمبود آب و مشکلات آبیاری** | **A3** | **حمل و نقل نامناسب خرما و از بین رفتن محصول حین جابه جایی** | **A25** |
| **مشغله های درسی و کاری فرزندان و عدم همکاری آنها در کشاورزی** | **A4** | **خشکسالي و کاهش منابع آبي** | **A26** |
| **عدم قیمت گذاری مناسب و به موقع محصول** | **A5** | **پایین بودن تولید خرما به دلیل عدم رسیدگی صحیح به درختان** | **A27** |
| **عدم حمایت مسولین و ارگان های دولتی و غیردولتی از محصولات** | **A6** | **گرانی سیستمهای آبیاری جدید مانند لوله های آبیاری قطره ای** | **A28** |
| **عدم بسته بندی و پایین بودن کیفیت بسته بندی خرما** | **A7** | **دور بودن و پراکنده بودن نخلستان ها از محل زندگی** | **A29** |
| **گسترش بازارهای رقیب همسایه با بسته بندی مناسب تر** | **A8** | **عدم آموزش در زمینه فرآوری محصول توسط جهاد کشاورزی وغیره** | **A30** |
| **نبود مراکز فرآوری محصول در شهرستان** | **A9** | **نبود یا کمبود انبارهای مناسب برای نگه داشت خرما تا زمان عرضه** | **A31** |
| **خرید محصول توسط دلالان و واسطه ها به قیمت بسیار نازل** | **A10** | **سختی کار تولید خرما(گرمای زیاد،کمبود نیرو، برداشت محصول، )** | **A32** |
| **عدم استقبال از روش های نوین و تلفیق آن با روش های صرفا سنتی** | **A11** | **خرده مالکي** | **A33** |
| **اشتغال به امور دیگر و در حاشیه قرار گرفتن نخل کاری** | **A12** | **سرماي ناگهاني و شيوع برخي آفات** | **A34** |
| **افزایش قیمت زمین و فروش نخلستانها و تغییرکاربری آنها** | **A13** | **نبود سردخانه براي نگهداري ارقام تر** | **A35** |
| **عدم آشنایی کشاورزان با مفهوم محصول ارگانیک و ارزش بالای آن** | **A14** | **عدم امکان انجام به موقع عملیات هرس و تکریب به دلیل ارتفاع بلند** | **A36** |
| **بسته بندی محصول با نام و برند خرماهای سایر نواحی شهرستان واستان** | **A15** | **عملکرد پایین محصول با توجه به افزایش جمعیت** | **A37** |
| **کوچک بودن و پراکنده بودن نخلستان ها** | **A16** | **زیاد بودن فواصل کاشت نخل ها در برخی موارد(از 2تا 15متر)** | **A38** |
| **گرانی ماشین آلات مکانیکی مانند بالارونده و دستگاه های گرده افشانی** | **A17** | **میانه کاری محصولات دیگر و عدم استفاده از دستگاه های جدید** | **A39** |
| **کمبود کارگر ماهرو باتجربه برای بالا رفتن از درختان نخل** | **A18** | **پراکندگی ارقام گوناگون یک محصول در یک نخلستان** | **A40** |
| **عدم بیمه کشاورزان و محصولات آنها** | **A19** | **آسیب حیوانات وحشی چون گراز به نهال ها و ریشه های نخل ها** | **A41** |
| **عدم استفاده از کودها و آفت کش های حتی به شکل ارگانیک وطبیعی** | **A20** | **عدم نظارت تعاونیها و جهاد کشاورزی بر کیفیت و کمیت محصول** | **A42** |
| **نبود امنیت شغلی** | **A21** | **بیکاریهای فصلی** | **A43** |
| رعد و برق و آتش سوزی و از بین رفتن نخلستان ها | A22 | خطرات ایمنی نیروی انسانی بالارونده از درخت | A44 |

منبع : یافته های میدانی ، پاییز، 1393

پس از انجام کد گذاری باز، مرحله کدگذاری محوری چنان که در جدول (2) مشخص شده ، انجام گرفت. بدین ترتیب که داده های کدگذاری شده با یکدیگر مقایسه شدند و به صورت خوشه هایی که باهم تناسب دارند، درآمدند. کدها و دسته های اولیه ای با موارد مشابه ادغام شد و ارتباط بین خورده طبقات مشخص گردید و طبقاتی با مفاهیم جدید شکل گرفت و به تردیج چارچوب مفهومی پژوهش شکل گرفت.

**جدول (2)- طبقات کلی و خرده طبقات حاصل از مفاهیم(کدگذاری محوری)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **طبقات کلی** | **خرده طبقات** | **طبقات کلی** | **خرده طبقات** |
| مشکلات اشتغال((B5 | نبود امنیت شغلی | فنی،اداری و مدیریتی(B4) | عدم نظارت تعاونی ها و جهاد کشاورزی بر کیفیت و کمیت محصول |
| اشتغال به امور دیگر و در حاشیه قرار گرفتن نخل کاری | عدم آموزش و آگاهی لازم در زمینه انواع فرآوری محصول توسط ارگان ها به خصوص جهاد کشاورزی |
| بیکاریهای فصلی | عدم استفاده از کودها و آفت کش ها حتی به شکل ارگانیک برای بالا بردن بازده محصول تولیدی |
| خطرات ایمنی نیروی انسانی بالارونده از درخت | گرانی قیمت ابزارهای مکانیکی در زمینه تولید مانند استفاده از ماشین های بالارونده و یا دستگاه های گرده افشانی |
| سختی کار تولید خرما(گرمای زیاد،کمبود نیرو، بالا رفتن از نخل، بسته بندی و...) | کاهش محصول با توجه به افزایش جمعیت به روش تولید سنتی |
| مشغله های درسی و کاری فرزندان و عدم همکاری آنها در کشاورزی | عدم استقبال از روش های نوین و تلفیق آن با روش های صرفا سنتی به دلیل کمبود سرمایه و .... |
| عدم حمایت مسولین و ارگان های دولتی و غیردولتی از محصولات تولیدی |
| قیمت گذاری محصول(B1) | قیمت پایین خرما | مشکلات آبیاری و مخاطرات طبیعی(B3) | گران بودن قیمت محصولات سیستمهای آبیاری جدید مانند لوله های آبیاری قطره ای |
| عدم قیمت گذاری مناسب و به موقع محصول | کمبود آب و مشکلات آبیاری |
| خرید محصول توسط دلالان و واسطه گرهابه قیمت بسیار نازل | خشکسالي و کاهش منابع آبي |
| کمبود و یا بالا بودن قیمت گرده های نخل های نر | سرماي ناگهاني و شيوع برخي آفات |
| عدم بیمه کشاورزان و محصولات آنها | بارش های نامناسب فصلی(تابستان) و خرابی محصول |
| رعد و برق و یا آتش سوزی و از بین رفتن نخلستان ها |
| از بین رفتن نهال ها و ریشه های برخی درختان توسط برخی حیوانات وحشی از جمله گراز |
| فرآوری، بسته بندی و نگه داری محصول(B2) | بسته بندی محصول با نام و پرند خرماهای شهرستان و یا استان های دیگر | پراکندگی نخلستان ها و عدم رسیدگی به آن(B6) | زیاد بودن فواصل کاشت نخل ها در برخی موارد(از 2تا 15متر) |
| عدم آشنایی کشاورزان با مفهوم محصول ارگانیک و ارزش بالای این نوع تولیدات | میانه کاری برخی محصولات دیگر در بین نخل ها و عدم استفاده از دستگاه های جدید |
| نبود سردخانه براي نگهداري ارقام تر | پراکندگی ارقام گوناگون یک محصول در یک نخلستان |
| نبود مراکز فرآوری محصول در شهرستان | بلندی ارتفاع نخل که اشخاص متبحری برای بالا رفتن نیاز دارد |
| نبود یا کمبود انبارها و مکان هایی برای ذخیره و نگه داشتن مناسب خرما برای عرضه های بعدی | کوچک بودن و پراکنده بودن نخلستان ها |
| گسترش بازارهای رقیب همسایه با بسته بندی مناسب تر | عدم امکان انجام به موقع عملیات هرس و تکریب به دلیل ارتفاع بلند |
| حمل و نقل نامناسب خرما و از بین رفتن خرما در حین جابه جایی | دور بودن و پراکنده بودن نخلستان ها از محل زندگی |
| پایین بودن تولید خرما به دلیل عدم رسیدگی صحیح به درختان |

نمودار2 مقوله های کدگذاری انتخابی و شکل گیری مدل اولیه پژوهش را نشان می دهد.

**نمودار1- مقوله ها در کدگذاری انتخابی**

**نتایج و یافته های محوری:**

در نهایت مهمترین نتایج و یافته های مربوط به چالش های پیش روی کشاورزان نخل کار بومی به شکل زیر دسته بندی گردید:

1- **چالش های اقتصادی - معیشتی**(عدم تعیین قیمت تضمینی خرما و حضوراسطه گران و دلالان): یکی از مهمترین چالش های پیش روی کشاورزان بومی این منطقه بحث قیمت گذاری بسیار پایین محصول و حضور واسطه گران غیربومی در فصل برداشت محصول می باشد. طبق گفته کشاورزان بومی، هر ساله خرما پس از زحمات يك ساله کشاورزان و صرف هزينه‌هاي زياد برداشت مي‌شود. اما در زمان عرضه آن به بازار دلالان و واسطه‌ها محصول را با قيمت‌هاي ارزان از كشاورز خريداري مي‌کنند و از يك سو موجب بروز نوسانات قيمتي در بازار و از سوي ديگر موجب ضرر کشاورزان و بي‌انگيزگي آن‌ها نسبت به توليد در سال‌هاي بعد مي‌شوند. طبق گفته کشاورزان بومی منطقه دست واسطه‌ها بايد توسط دستگاه‌هاي مربوطه فعال در بخش توليد و عرضه خرما و نظارت سازمان جهادکشاورزي کوتاه شود. همچنین مشکل بزرگ دیگر تعيين نرخ خريد تضميني خرما طبق نرخ تورم است؛ زيرا يك‌سوم هزينه توليد صرف آب‌بها مي‌شود. از سوي ديگر هزينه نگهداري هر اصله نخل خرما به نسبت عملکرد اقتصادی خرما پاسخگو نیست.

2**- چالش های اجتماعی - مدیریتی** (عدم وجود سردخانه وصنايع تبديلي و فرآوري خرما)**:** عمده نخل کاران منطقه مورد مطالعه مکان مناسبی برای نگهداری خرما ندارند و این نیز از مشکلاتی است که نیازمند تدبیر و برنامه ریزی مسئولان است. همچنین بسته بندی نا مناسب و نبود یک نام تجاری برای محصول خرما در منطقه موجب شده تا محصول با کیفیت این شهرستان بعد از فرآوری و بسته بندی در مراکز دیگرو به نام دیگرشهرستان و یا استانها به فروش برسد. همینطور نبود صنايع ‌تبديلي خرما در منطقه جنوب فارس به خصوص در داراب موجب شده تا سود آوری این محصول با ارزش به سایر استانها برود و کشاورزان زحمتکش این استان از عواید آن محروم بمانند.  نبود سردخانه نیز از دیگر مشکلات نخل کاران دارابی است که عدم وجود آن موجب شده تا محصول با کیفیت این شهرستان به صورت تازه خوری در بازار مصرف شود و  یا کشاورزان عمده محصول خود را به دیگر استانها برای فروش ببرند.

**8- چالش های ساختاری- زیربنایی (عدم وجود سيستم آبياري جدید، كوچك بودن و پراكندگي ارقام در نخلستان های منطقه):** آبياري نخل، عملياتي است كه از دير باز در مناطق مختلف به شكلهاي گوناگون اعمال مي‏گرديده است. طبق مطالب جمع آوری شده از سوی کشاورزان بومی سيستم‏هاي آبياري مرسوم در این منطقه عموماً از نوع سنتي غرقابي و تشتكي بوده و در موارد بسيار معدودي به صورت سيستم آبياري تحت فشار، از نوع قطره‏اي مي‎باشند. سيستم‏هاي آبياري سنتي نخلستانها همچون غرقابي و تشتكي علاوه بر اينكه بازدهي بالايي ندارند، از موانع مهم در برابر تحرك ماشينها و حتي انسان در نخلستان به شمار مي‏روند و به عنوان يكي از محدوديتهاي کشاورزی در منطقه مذکور تلقي مي‏شود. امروزه تغيير سيستم آبياري به سيستم‏هاي آبياري نوين تحت فشار از جمله قطره‏اي و بابلر آغاز گرديده است و طبق بیانات برخی کشاورزان بومی در برخي مناطق همچون جهرم كه 50 درصد سيستم آبياري آن قطره‏اي است به خوبي گسترش يافته است، در حالی که در منطقه مورد مطالعه به دلایل گوناگون این سیستم های نوین رواج چندانی نیافته است. همچنین در محدوده مورد مطالعه، در شرايط كنوني، ارقام مختلفي از نخل خرما در يك نخلستان كشت و كار مي‏شوند. با توجه به تفاوتهاي موجود در ويژگيهاي ارقام مختلف، عمليات ويژه‏اي براي توليد محصول هر يك از اين ارقام ضرورت مي‏يابد كه اين خود قابليت عملياتي بيشتري را درمورد کاربرد نهاده ها و ادوات نوین کشاورزی در نخلستان طلب مي‏كند. افزون بر اين نسبت بالاي نخلهاي نر به نخلهاي ماده و پراكندگي آنها در سطح نخلستان اين امر را تشديد مي‏سازد. طبق تجارب نخل کاران بومی منطقه در شرايط مناسب، وجود 2 نخل نر خوب به ازاي هر صد نخل ماده كفايت مي‎كند. با اين وجود در برخي مناطق اين نسبت حتي به 20 نخل نر براي هر 100 نخل ماده و بيشتر نيز مي‏رسد. متوسط مساحت نخلستانهاي این منطقه كمتر از 5/0 هكتار بوده است. وجود نخلستانهاي پراكنده و كوچك از محدوديتهاي موجود در بكارگيري و گسترش روشهاي نوین توليد به شمار مي‏رود. همچنین در رابطه با الگو و فاصله کشت طبق نظر کشاورزان بومی چون بسیاری از نخل ها از گذشته تاکنون به این شکل کاشته شده اند هیچ گونه الگوی منظمی برای استفاده از ابزارهای جدید وجود ندارد، زیرا در بسياري از نخلستانهاي منطقه، بويژه نخلستانهاي قديمي و سنتي، نخلها به صورت پراكنده و بدون رعايت هر گونه الگويي كشت شده‏اند. فاصله كاشت نخلها نيز حتي در يك نخلستان نيز بسيار متغير و از 2 الي 10 متر و حتي بيشتر در نوسان مي‏باشد. اين امر مانعی در برابر حركت ادوات و ابزارهای جدیدکشاورزی در نخلستانها می باشد.

9- ارائه راهکارها و پیشنهادات:

تردیدی نیست که افزایش تولیدات ارگانیک از مهم ترین الزامات تحقق توسعه کشاورزی پایدار به شمار می رود. خرما ميوه‌اي است که طي فرايند کشاورزي شامل نگهداري، کاشت، داشت، برداشت، بسته‌بندي توليد و روانه بازار مي‌شود؛ چنانچه در يکي از اين چرخه‌ها مشکلي پيش بيايد قطعا محصول با کيفيت نخواهيم داشت. اين محصول پس از توليد در مصارف بسيار متنوعي از قبيل تازه‌خوري و براي طبخ غذا استفاده مي‌شود؛ همچنين در مصارف صنعتي از آن شيره ‌خرما، عسل‌خرما، قند مايع، سرکه ‌خرما، الکل، عصاره نوشابه، حلواي خرما، شکلات صبحانه و لواشک خرما توليد مي‌شود. از ضايعات خرما نيز در ترکيب خوراک دام و طيور و از برگ‌هاي آن انواع ظروف حصير بافته مي‌شود؛ از تنه فرسوده درخت خرما نيز در کارخانجات چوب و کاغذ سازي استفاده مي‌شود. و همان گونه که در یافته های تحقیق بیان شد کشاورزان نخل کار بومی در روستاهای جنوب شهرستان داراب با چالش ها و مشکلات فراوانی در زمینه تولید و فروش محصولات خود مواجه اند و آنچنان که شایسته باشد محصولات ارگانیک آنها در بازارهای خارج از شهرستان، استان و کشور جایگاه ندارد از این رو، بر اساس یافته های این پژوهش پیشنهادهایی از سوی خود کشاورزان برای برون رفت از وضعیت کنونی و غلبه بر چالش های پیش روی آنها ارائه گردیده است که در این جا قابل تأمل خواهد بود ؛ از آن جایی که بسیاری از مردم کشورمان از طریق تولید خرما امرار معاش می‌کنند، لذا ضروری است که دولت به این مسئله ورود کرده و برای حل مشکلات این قشر چاره‌ای بیاندیشد.  دولت و ارگان های مربوطه می‌تواند برای حمایت از نخل‌داران،‌ خرما را در سبد کالا قرار دهد، همچنین باید تلاش کرد تا انگیزه از بین رفته نخل‌داران را احیا و در جهت رفع مشکلات این قشر زحمتکش همت گمارد. با توجه به روند رو به افزایش تولید خرمای شهرستان داراب، انتخاب نام تجاری خاص برای محصول تولیدی و ایجاد سردخانه و صنایع تبدیلی و فرآوری خرما در شهرستان داراب از ضروریات است. مسئولان می توانند با ايجاد بازار مناسب براي فروش خرما نقش بسيار مهمي را در افزایش تولید خرما و توسعه اقتصادی شهرستان داراب با حمايت از بخش خصوصي برای ایجاد صنایع تبدیلی ، فرآوری و ايجاد زيرساخت‌ هاي مناسب در اين زمينه ایفا کنند و این حمایتها در سطح منطقه ای باعث افزايش كيفيت خرماي عرضه شده و تشويق نخل داران براي توسعه و توليد اين محصول با ارزش خواهد بود. روشهای سنتی کاشت ، داشت و برداشت در کنار سایر مزایای آن دارای مشکلات و سختی های فراوانی است که بازده محصول تولیدی به نسبت هرینه های آن به صرفه اقتصادی برای کشاورز نمی باشد، لذا لزوم ارائه آموزش های نوین توسط ارگان های و نهادهای مربوطه به نخلداران ضروری می باشد. با جايگزين‌كردن کشاورزي از حالت صرفاً سنتي و روي آوردن به کشاورزي ارگانیک و با در نظر گرفتن اصول مديريتي و علم روز مي‌توان روش‌هاي توليد را تغيير داد. از سوي ديگر با حمايت دولت در اعطاي تسهيلات کم‌بهره و بلندمدت به کشاورزان و دادن نهال‌هاي ارزان قيمت به باغداران مي‌توان درختان جوان را جايگزين درختان پير وفرسوده کرد. همچنین در فصل برداشت محصول دست واسطه‌ها بايد توسط دستگاه‌هاي مربوطه فعال در بخش توليد و عرضه خرما و نظارت سازمان جهادکشاورزي و صنعت، معدن و تجارت کوتاه شود. مسوولان باید با تعيين نرخ خريد تضميني خرما طبق نرخ تورم کمک شایانی به کشاورزان بومی کنند.

منابع و مآخذ:

1- افراخته، حسن؛ حجی پور، محمد؛ گرزین، مریم؛ نجاتی، بهناز،(1392)، جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه‌های توسعه ایران (مورد: برنامه‌های پنج ساله پس از انقلاب)، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان. سال یکم، دوره یکم، شماره یک، ص62-43

2- باقری،ا. و شاه پسند،م.(1389). بررسی نگرش کشاورزان سیب زمینی کاردشت اردبیل نسبت به عملیات کشاورزی پایدار، نشریه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره2-41، شماره 2،صفحات 231-242.

3- بهرامیان، سمیرا و میردامادي سید مهـدي.(1390)، کشاورزي ارگانیک، درآمد کشاورزان را افزایش می دهـد. نشریه کشاورزي و دامپروري، (1066)،3

4- پاپ زن، عبدالحمید؛ قبادی، پرستو، زراهتانی، کیومرث و گراوندی، شهیر(1389). مشکلات و محدودیت های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی(مورد: روستای حریر، استان کرمانشاه). فصلنامه پژوهش های روستایی، دوره 1، شماره3، ص52-25).

5- حسینی، سید جمال؛ شریعتی، محمدرضا، 1382، **نگرش ها و نیازهای آموزشی مروجان سازمان کشاورزی استان سمنان نسبت به کشاورزی پایدار** ماهنامه جهاد ترویج کشاورزی و توسعه روستایی شماره 258، سال 23 مرداد و شهریور ماه

6- درویشی، علی،1372، ظرفیت و توان توسعه پایدار کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، شماره پنج

7- عمادی، محمد حسین، اردکانی، محمد امیری،1381، تلفیق دانش بومی و دانش رسمی؛ ضرورتی در دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهه،شماره 37

8- قدیمی،علیرضا؛شعبانعلی فمی، حسین؛ اسدی،علی،1391، بررسی عوامل موثر بر نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک(مطالعه موردی: شهرستان فریدن)، مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال پنجم، شماره 4،صص69-81 9- قنبری، یوسف؛ برقی، حمید. (1387)،چالش­های اساسی در توسعه پایدار کشاورزی در ایران، راهبرد یاس، شماره 16، زمستان 1387، صفحات 234-219.

10- کریمی، سعید. (1381). اصول و روش­های تولید در کشاورزی پایدار، مجله جهاد، شماره 254، 40 – 46.

11- کوچکی، عوض.(1376).توسعه پایدار کشاورزی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره،4، صفحه،53-20

12- گدینز، آنتونی،1376، روش تحقیق جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبور، نشر نی

13- لامپکین، نیکلای.(1376). کشاورزی ارگانیک، ترجمه کوچکی، عوض، نخ فروش. علیرضا و ظریف کتابی، حامد، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی. صفحه 331.

14- سازمان جهاد کشاوری استان فارس،1393، طرح تدوین ساماندهی فرآوری خرما

15- مطیعی­لنگرودی، سیدحسن. (1381)، جغرافیای کشاورزی ایران – کشاورزی، انتشارت جهاد دانشگاهی مشهد

16- مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ شمسایی، ابراهیم. (1386)، توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی: مطالعه موردی بخش سجاسرود زنجان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 86، صص 104-85.

17- مرکز آمار ایران، (1390)، اطلاعات سرشماری جمعیت خانوارهای روستایی- سال 90

18- نصر اصفهانی، اسماعیل. و میرفندرسکی. سمیرا(1385). کشاورزی ارگانیک گسترش می یابد. ماهنامه سرزمین سبز، دوره 42، صفحه 14-12.

19- نوری پور، مهدی، آرپناهی، ساناز. 1393 بررسی دیدگاه نظام اطلاعات کشاورزی نسبت به محصولات ارگانیک مورد: بخش مرکزی شهرستان بویر احمد؛ فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره یک، پیاپی 7؛ صص55-73

20-Ahnstrom,j.,Hockert,j.,Bergea,H.L.,Francis,C.,Skelton,P.& Hallgren, L.(2009). Farmers and nature conservation:What is Known about attitudes, context factors and actions affecting conservation?Renewable Agriclture and Food Systems,24(1),38-47.

21-Alizade A., J. Javanmardi., N. Abdollahzade and Z. Liaghati.( 2008). Consumers` awareness, demands and preferences for organic vegetables: A survey study in Shiraz, Iran. 16 th IFOAM Organic World Congress, Modena, Italy

22-Sanderson, K. (2004). Extension support for organic farmers in the south:A functionof attitude, knowledge, or confidence? University of FloridaStobbelaar, D,J., Casimir, G. Borghuis, J. Marks, I. Meije, L. & Zebeda. S. (2006). Adolescents attiudes toward organic food :Asurvey of 15-to16 years old school children. Internatinal Journal of Consumer

studies.21, 45-60

23-Gregory, N. G,( 2000). Consumer concerns about food. Outlook on Agriculture. 29(4):251-257

24-Gongn, Jianhua. & Lin, Hui. (2000). Sustainable development for agricultural region in China: case studies, Forest Ecology and Management 128, pp. 27-38

25- Lynam, J.K. (1994). Sustainable growth in agricultural Production: the links between Production, resources, and research.in: Opportunities, Use, and transfer of systems research methods in agriculture to developing Countries. In: zoldsworthy, P., PenninggDeveries, F. (Eds). (PP: 3 – 27.) Kluwer Academic Publishers,. The Netherlands

26- Rezai- moghadam,K.,E. Karami., and J.(2005)." Conceptualizing sustainable agric ultur. Iran as an illustrative case". Journal of Sustainable Agriculture,27(3):25-56

27- Mahoney, J. and Goertz, G. (2006), "A Tale of two Cultures: Contrasting Quantitative and

Qualitative Research", Political Analysis, 14, PP. 227-249.

28- Willer, Helga and Kilcher, Lukas (Eds.) (2012) The World of Organic Agriculture - Statistics and Emerging Trends 2012. Research Institute of Organic Agriculture (FiBL), Frick, and International Federation of Organic Agriculture Movements (IFOAM), Bonn.